

Economic Rights of Children Born from Artificial Insemination from the Point of View of Jurisprudence and Islamic Law

Soudabeh Taheri¹, Nasser Ali Afzalnejad², Hassan Asadi³

1. PhD student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Varamin Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

2. Assistant Professor of Jurisprudence and Law Department, Varamin Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Varamin Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 123- 138

Article history:

Received: 13 Apr 2023

Edition: 27 May 2023

Accepted: 9 Jul 2023

Published online: 23 Des 2023

Keywords:

artificial fertility, economic rights, inheritance, surrogacy.

Corresponding Author:

Nasser Ali Afzalnejad

Address:

Iran, Varamin, Islamic Azad University, Varamin Branch, Department of Jurisprudence and Law.

Orchid Code:

0009-0001-5155-2943

Tel:

02136726005

Email:

mafzal213@Gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: artificial insemination has been among the challenging legal, medical and ethical issues in the contemporary period. Keeping in mind the opponents of this method of fertility, the supporters of this method from the point of view of jurisprudence and law also consider economic rights for children born from this method, which will be discussed in this research.

Materials and methods: The method of this article is analytical and descriptive and the research tool is library .

Ethical considerations: In writing this article, the ethical principles of referencing and quoting sources are of concern to the authors.

Results: The rights of children born from artificial insemination are reserved in jurisprudence and Islamic law for those who follow the scientific methods and the specificity of the guardian and the owner of the fetus or by respecting the rights of the owner of the womb in the matter of surrogate womb. The most important rights are benefiting from inheritance, meeting economic needs and equality with other citizens.

Conclusion: Children born from artificial insemination will inherit from him if the owner of the sperm is known. However, if the sperm is from a stranger, the inheritance relationship and the provision of his economic needs are cut off from the owner of the sperm, and the child inherits from the mother, and the provision of his economic needs is the responsibility of the mother.

Cite this article as:

Taheri S, Ali Afzalnejad N, Asadi H. *Economic Rights of Children Born from Artificial Insemination from the Point of View of Jurisprudence and Islamic Law*. Economic Jurisprudence Studies. 2023.



حقوق اقتصادی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی از منظر فقه و حقوق اسلامی

سودابه طاهری^۱، ناصرعلی افضل نژاد^۲، حسن اسدی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و حقوق، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

۳. استادیار، گروه فقه و حقوق، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: باروری مصنوعی از جمله موضوعات چالش برانگیز حقوقی، پزشکی و اخلاقی در دوره معاصر بوده است. با در نظر داشتن مخالفان این شیوه از باروری، موافقان این شیوه از نظر فقهی و حقوقی نیز قائل به حقوق اقتصادی برای کودکان متولد شده از این روش هستند که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد.

مواد و روش‌ها: روش مقاله حاضر تحلیلی و توصیفی و ابزار انجام تحقیق نیز کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله حاضر، اصول اخلاقی ارجاع دهی و استناد به منابع مورد توجه نویسندگان است.

یافته‌ها: حقوق کودکان متولد شده از باروری مصنوعی در فقه و حقوق اسلامی برای کسانی که از شیوه‌های علمی و مشخص بودن سرپرست و صاحب نطفه و یا با رعایت حقوق صاحب رحم در بحث رحم جایگزین است، محفوظ است. مهم‌ترین حقوق، بهره‌مندی از ارث، تأمین نیازهای اقتصادی و برابری با سایر شهروندان است.

نتیجه: کودکان متولد شده از باروری مصنوعی در حالتی که صاحب اسپرم مشخص باشد، از وی ارث می‌برند. اما اگر اسپرم از سوی فرد بیگانه باشد، رابطه ارثی و تأمین نیازهای اقتصادی وی از صاحب اسپرم قطع و کودک از مادر ارث می‌برد و تأمین نیازهای اقتصادی وی بر عهده مادر است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۳-۱۳۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲

واژگان کلیدی:

باروری مصنوعی، حقوق اقتصادی، ارث، رحم جایگزین.

نویسنده مسئول:

ناصرعلی افضل نژاد

آدرس پستی:

ایران، ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین، گروه فقه و حقوق.

تلفن:

02136726005

کد ارکید:

0009-0001-5155-2943

پست الکترونیک:

mafzal213@gmail.com

۱. مقدمه

پیشرفت‌های علم و فناوری در حوزه‌های مختلف تاثیر شگرفی بر زندگی اجتماعی نهاده است. یکی از ابعاد این موضوع توسعه و گسترش علم پزشکی و بیولوژیک در خصوص باروری زوجین نابارور می‌باشد. این موضوع عملاً سبب حل مشکلات بسیاری از خانواده‌ها که از نعمت داشتن فرزند محروم هستند، شده است. تولید مثل مصنوعی شامل شبیه‌سازی و باروری‌های پزشکی از طریق راهکارهای اصلی رفع مشکل است که در اولی به وسیله استفاده از سلول‌های جسمی و در دومی با استفاده از سلول‌های جنسی صورت می‌گیرد. باروری‌های پزشکی به روش‌های مختلفی چون اهداء اسپرم، اهداء تخمک، اجاره رحم یا مادر جانشین و اهداء جنین انجام می‌پذیرد. در هر صورت تلقیح مصنوعی را می‌توان شامل تلقیح داخلی و خارجی دانست. در تلقیح داخلی عمل بارور شدن و پرورش نطفه داخل رحم انجام می‌شود، اما بر حسب اینکه بین صاحبان نطفه (زن و مرد) رابطه زوجیت یا زناشویی مشروع و قانونی موجود بوده و یا چنین ارتباطی وجود نداشته باشد این روش به دو صورت لقاح همگون یا تلقیح بین همسران و لقاح ناهمگون و تلقیح بین افراد بیگانه تقسیم می‌گردد. روش دوم تلقیح خارجی است که در آن عمل بارور شدن و پرورش نطفه در محیطی خارج از رحم انجام می‌شود.

نکته مهم در این شیوه‌های جدید، حقوق اقتصادی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی، بهره‌مندی و یا عدم بهره‌مندی از ارث، نحوه انتساب آنان به صاحب اسپرم (مرد)، صاحب رحم (زن) از جهت بهره‌مندی از حقوق اقتصادی در زمان حیات سرپرستان، چگونگی بهره‌مندی آنان از ترکه و دارایی‌های والدین آنان در صورت فوت

مورث و راهکارهای حقوقی برای شناسایی سرپرستان می‌باشد. بنابراین یافتن سرپرستان واقعی کودکان و دشواری‌های موجود در این زمینه و یا مبهم ماندن سرپرست این اطفال، تبعات پیچیده‌ای برای کسانی در پی خواهد داشت که به هر نحو در این مسأله دخیل هستند. به علاوه اینکه، مبهم ماندن سرپرستان و عدم معین بودن حقوق اقتصادی فرزندان باعث سردرگمی نهادهای حقوقی و قضایی نیز خواهد شد. با در نظر داشتن این موارد، پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی حقوق اقتصادی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی از منظر فقهی و حقوقی بپردازد. بر همین اساس، سؤالی که طرح می‌شود این است که شرایط فقهی و حقوقی برای بهره‌مندی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی از منظر اقتصادی کدام است؟ فرضیه این است: انتساب به صاحب اسپرم جهت بهره‌مندی کودک از حقوق اقتصادی نظیر ارث، دارایی، ترکه و اموال و انتساب به صاحب رحم در صورت گمنام بودن پدر یا درخواست مادر برای بهره‌مندی از اسپرم بیگانه ضرورت دارد.

از جمله ضرورت‌های انجام پژوهش حاضر آن است که علیرغم مباحث فراوان حول باروری مصنوعی، حقوق اقتصادی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی مغفول واقع شده است. بدین معنا که در قوانین مربوط به باروری مصنوعی که اغلب برگرفته از قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲ و قانون نحوه اهداء جنین ۱۳۸۲ است که در این قوانین چندان به بحث حقوق اقتصادی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی اشاره نشده است. نوآوری پژوهش حاضر نیز آن رو است که تلاش شده تا انواع انتسابات خونی کودک از حیث انتساب به

حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲، بر اخذ تضمینات مالی، مسلماً با هدف حفظ منافع کودک صورت گرفته است، اما اختصاص مواد متعدد به مسئله وضعیت مالی و تأمین اقتصادی کودک، دید مادی و اولویت آن بر نیازهای معنوی را تشدید می‌کند. اما باید دانست که در جای جای قانون جدید نیز لزوم تأمین نیاز معنوی کودک آشکارا به چشم می‌خورد و تدوین آن را باید گامی در راستای نزدیک ساختن نهاد سرپرستی به خانواده دانست.

۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. اهمیت نَسَب در باروری مصنوعی

نسب در واقع نوعی رابطه خویشاوندی میان دو نفر است که یکی از نسل دیگری یا هر دو نفر از نسل شخص ثالثی باشند (صفایی، ۱۳۸۱: ۳۹). بنابراین نسب به یک رابطه خونی اشاره می‌کند که از رابطه دو نفر حاصل می‌شود و فرزندی را بوجود می‌آورد. در این صورت، افرادی که نسب خونی دارند به راحتی در زمره یک خانواده در نظر گرفته می‌شوند که از نظر پزشکی و حقوقی نیز خانواده منحصر به فردی را تشکیل داده و روابط نسبتاً پایداری نیز میان اعضای خانواده برقرار است. نسب در آموزه‌های دین اسلام بسیار مورد توجه بوده است. در آیه ۵۴ سوره فرقان بر اهمیت آن در زندگی اجتماعی افراد تأکید شده است و در همین راستا آیه شریفه می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا». (او کسی است که از آب، انسانی را آفرید؛ سپس او را نسب و سبب قرار داد [و نسل او را از این دو طریق گسترش داد]؛ و پروردگار تو همواره توانا بوده است. آیه شریفه اخیر از سوی

صاحب اسپرم، صاحب رحم، گمنام بودن صاحب اسپرم و سازوکارهای بهره‌مندی اطفال متولد شده از باروری مصنوعی در آن روشن شود.

۲. ملاحظات اخلاقی

در نگارش مقاله حاضر، اصول و قواعد اخلاقی از جمله ارجاع‌دهی، استفاده دقیق و علمی از منابع در دستور کار قرار گرفته است.

۳. مواد و روش‌ها

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است.

۴. یافته‌ها

درباره مسأله ارث و حقوق اقتصادی فرزندان که از راه‌های غیرطبیعی به دنیا می‌آیند، در قوانین ایران نیز راه‌های متفاوتی در نظر گرفته شده است. این تفاوت ناشی از شیوه‌های متعدد تولد فرزند از راه باروری مصنوعی است. اما درباره بهره‌مندی از حقوق اقتصادی این کودکان باید گفت که معیار در زمینه بهره‌مندی از ارث، ترکه و اموال و دارایی از جهت پیوند با صاحب اسپرم و مشخص بودن صاحب اصلی آن است. در این صورت، کودک از پدر ارث خواهد برد و قانون مدنی در این باره صراحت دارد. اما در صورتی که به هر دلیلی صاحب اسپرم گمنام باشد، حقوق اقتصادی کودک می‌بایست از طریق مادر تأمین شود. در شیوه‌های دیگر نیز پیدا کردن صاحب اسپرم و یا انتساب خونی فرزند به مادر تعیین کننده است. بنابراین تعیین والدین به شیوه‌های علمی و عدول نکردن از روابط جنسی مشروع، پشتوانه بهره‌مندی کودکان از والدین است و برای کسی که خواهان دستیابی به فرزند از طریق رحم جایگزین و یا شیوه‌های دیگری است، همین قاعده جاری خواهد بود. از جمله تأکید قانون

خواهد بود که البته صاحب اسپرم در زمان اهدای آن به هیچ وجه قصد نداشته صاحب فرزندی از زن دیگر غیر از زوجه خود باشد و اگر در این زمینه پافشاری شود، دیگر هیچ مردی حاضر به اهدای اسپرم به منظور رفع مشکل زن و شوهر نابارور نخواهد شد، مضافاً بر این که طبق قانون، صاحب اسپرم و تخمک اهدایی ناشناخته باقی خواهند ماند و کودک از وضع پدید آمده اطلاعی ندارد. لذا نباید از جهت رابطه نسبی سرگردان بماند و از نظر روحی و روانی لطمه ببیند که هم برای چنین فرزندی و هم برای خانواده پذیرنده جنین و هم برای جامعه به شدت زیان‌آور خواهد بود (صمدی اهری، ۱۳۹۱: ۱۳۸). نظریه اخیر از آن روی مطرح می‌شود که بتوان از طریق اهدای اسپرم، مشکلات ناباروری را حل نمود و اینکه مهم‌تر از همه هویت فردی که اسپرم را هدیه کرده است تا زمانی که وی رضایت نداشته باشد، مخفی باقی بماند.

نظریات امام خمینی (ره) نیز می‌تواند با عنوان جواز لقاح مصنوعی لحاظ شود. از جمله که بیان داشته است: «تلقیح به وسیله نطفه مردم برای زوجه اش جایز است و لیکن لازم است از مقدمات حرام دوری شود، مانند آنکه اجنبی عمل جایگزینی را انجام و یا آنکه تلقیح مستلزم نگاه کردن به جایی شود که نگاه او بر آنجا جایز نیست. پس در شرایطی که نطفه به شکل حلال خارج شود و زوج آن را زوجه خود تلقیح نماید و سپس فرزندی متولد شود این فرزند، ولد مشروع آن است و مانند تولد از جماع است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۶۲۰). بنابراین در رویکرد فقها، بحث در استفاده از روش باروری مصنوعی و شیوه‌های نوین پزشکی بیشتر از حیث «اجتناب از حرام» و «روشن بودن نسب فرزند» است. به

برخی از فقها باعث اعطای حکم پدر به صاحب اسپرم شده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۲۳؛ منتظری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۹۳). بدین معنا که صاحب اسپرم، پدر واقعی و حقیقی کودک شناخته می‌شود، زیرا اراده و عمل وی باعث تحقق جنین شده است که در نهایت به صورت کودک به دنیا آمده است. پذیرش این رویه به معنای بر عهده گرفتن سرپرستی کودک متولد شده توسط صاحب اسپرم است. هرچند که در خانواده وی نیز نباشد.

استدلال دیگری که درباره پدر کودک مطرح می‌شود، سرپرست دانستن شوهر زنی است که اسپرم را دریافت نموده است. زیرا از طرفی وی شوهر زن محسوب شده و حتماً با رضایت و اجازه وی چنین اقدامی صورت گرفته است و مهم‌تر از همه اینکه، فرد دیگری که اسپرم را به زن وی اهداء نموده است، در خانواده وی نیست و علی‌القاعده به دلیل مسائل گوناگونی از جمله عدم قرابت سببی و خانوادگی، اختلاف سن و... نمی‌تواند جانشین شوهر زن دریافت کننده اسپرم در نظر گرفته شود. در این صورت استدلال می‌شود که پدر کودک، شوهر زنی است که اسپرم را دریافت کرده و کودک پس از تولد در خانواده وی بدنیا می‌آید. در صورت پذیرش این رویکرد حقوقی، مسئولیت‌های مختلف کودک متولد شده نیز بر عهده پدری است که زن وی، اسپرم را دریافت نموده و کودک توسط زن وی حمل شده و در خانواده وی به دنیا آمده است. بنابراین در نقد نظریه اول که صاحب اسپرم را پدر کودک متولد شده می‌داند، چنین مطرح شده است که اگر صاحب اسپرم را پدر طفل بدانیم در این صورت پدر کودک تکالیفی نظیر پرداخت نفقه و حضانت و نگهداری کودک را بر عهده خواهد داشت و ولایت طفل نیز با وی

صاحب تخمک به عنوان مادر حقیقی طفل شناخته می‌شود و این استدلال را پشتوانه دلیل خود قرار می‌دهد که تخمک صاحب رحم، نقشی در پیدایش کودک نداشته است و صرف تکامل یافتن و گذراندن مراحل رشد در رحم باعث تحقق نسب نمی‌شود (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۱۳). بنابراین در چنین روشی نیز نسب فرزند متولد شده از باروری مصنوعی متعلق به کسی است که نسبت خونی با فرزند داشته و به طور طبیعی، سرپرست وی نیز کسی است که صاحب نطفه است. برخی دیگر از دیدگاهها نیز بر این باور هستند که ملاک مادر بودن، پیدایش سلول سازنده جنین از ناحیه مادر از جمله تخمک وی است (حمدللهی، ۱۳۸۸: ۱۷۴). در هر صورت با پذیرش باروری مصنوعی و لقاح به شیوه‌های نوین که در پی آن فرزندان به دنیا می‌آیند، توجه به حقوق آنان از اعم از قانونی و یا به صورت عرفی حائز اهمیت است. اهمیت نسب در اینجا از آن جهت لازم است که بحث حقوق اقتصادی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی در ارتباط با وجود یک سرپرست دقیق و معین قابلیت تحقق دارند. بر همین اساس هم از نظر فقهی و هم از نظر حقوقی نیازمند پرداختن به بحث حقوق اقتصادی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی از جهات مختلف یعنی ارث، نیازهای فردی و اجتماعی و برابری حقوقی وی با سایر افراد جامعه هستیم.

۵-۲. حقوق اقتصادی کودکان متولد شده از

باروری مصنوعی

از جمله حقوق مهمی که از نظر اقتصادی برای کودکان متولد شده از باروری مصنوعی نیازمند بررسی است، «ارث» است. مطابق مواد ۸۶۱ تا ۹۳۶ ق.م. پدر و مادر و فرزندان، و فرزندان فرزندان و اجداد و جدات به ترتیب اقریبیت از

همین دلیل از نظر حقوقی استدلال می‌شود که در لقاح مصنوعی، اشکال مختلفی دیده می‌شود که در نهایت مسأله نسب را به پیش می‌کشد و رویکردهای قانونی و حقوقی نیز در این زمینه قابل بیان است. از جمله در لقاح و باروری مصنوعی ممکن است اسپرم از سوی زوج و تخمک از سوی زن باشد که در داخل رحم و یا خارج از رحم انجام شود. کودکی که در اثر این عمل بدنیا می‌آید، مشروع است و بحثی درباره آن وجود ندارد (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۳۸). حتی در حقوق داخلی ایران، نسب کودکان در روش‌های باروری غیرطبیعی به پدر و مادر آنان بر می‌گردد که صاحب اسپرم و تخمک محسوب شده و تنها فرزندان که از طریق روش‌های نامشروع از جمله ولدزنا به دنیا آمده باشند، مشروعیت قانونی ندارند. از جمله اینکه حقوقدانان در این باره بیان می‌کنند که آنچه از اصول حقوقی و قانون مدنی ایران برداشت می‌شود آن است که هر فرزندی که به شیوه طبیعی به دنیا بیاید، قانونی است، مگر آنکه قانون به صراحت برخلاف آن تصریح کرده باشد. موردی که قانون آن را به عنوان فرزند طبیعی قبول ندارد، ولدزناست و در موارد دیگر، طفل به پدر و مادر متعلق است؛ حال ممکن است تولد فرزند به شیوه طبیعی باشد و یا اینکه به صورت غیرطبیعی و بر اثر روش‌های ناشی از باروری مصنوعی بدنیا آمده باشد (امامی، ۱۳۹۹: ۱۸۶-۱۸۵). نظر دیگری که قابل طرح است، انتساب نسب کودک متولد شده از باروری مصنوعی به مادری است که تخمک به وی متعلق است و زنی که صاحب جنین است و یا کودک را حمل می‌کند، نمی‌تواند به عنوان صاحب فرزند تلقی شده و یا مادر وی در نظر گرفته شود. بنابراین از نظر این دسته از حقوقدانان، فقط

خواهد داشت. توالی بهره‌مندی از مزایای اقتصادی یاد شده برای فرزندان همان کودک نیز به روال خود باقی است و از این منظر تفاوتی میان وی با سایر اعضای خانواده در سطح پایین‌تر و شهروندان در سطح عمومی و بالاتر وجود ندارد.

در حقوق داخلی ایران قبل از هر چیز ذکر یک نکته مهم است و آن هم اینکه میان کودکانی که با روش‌های غیرطبیعی متولد می‌شوند و کودکانی که از زنا متولد می‌شوند، کاملاً تفاوت وجود دارد و هرگز نباید حقوق کودکان را در این دو مقوله باهم اشتباه گرفت. بنابراین در حقوق ایران، طفل نامشروع طفلی است که از زنا متولد می‌شود و سایر کودکانی که به سایر روش‌های غیرطبیعی به دنیا می‌آیند، نمی‌توانند تحت این عنوان قرار بگیرند. زیرا عملی خارج از شرع صورت نمی‌گیرد. مؤید صحت این رابطه نیز قانون مصوب ۱۳۸۲ است (صمدی اهری، ۱۳۹۱: ۱۱۷). این تفکیک بیش از هر چیز بدلیل نگرشی است که درباره حقوق اقتصادی این کودکان مطرح است. زیرا کسانی که از روش‌های نامشروع دنیا می‌آیند، نیازمند بررسی دقیق‌تری هستند و می‌بایست تأییدیه لازم را از آن جهت که به شیوه قانونی دنیا آمده است، ارائه کنند. هرچند در این زمینه نیز پیدا کردن صاحب اسپرم از جهت انگیزه کار، تعیین تکلیف فرزندی که از این شیوه دنیا می‌آید و حقوق وی از جهت انتساب به سرپرست واقعی خود، حائز اهمیت است.

بدین ترتیب درباره حقوق اقتصادی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی می‌توان گفت که ارث با توافق و اراده مورث قابلیت تحقق خواهد داشت و به این دلیل که در قانون اهدای جنین مصوب ۱۳۸۲ و آیین‌نامه اجرایی آن، صراحتی در این زمینه وجود ندارد، با پذیرش جنین اهدایی،

متوفی ارث می‌برند. کودک متولد شده از باروری مصنوعی با اسپرم شوهر نیز از کلیه اقارب نسبی نامبرده، ارث خواهد برد و تمامی اقارب ذکر شده نیز از وی ارث خواهند برد؛ به این شرط که شرایط ارث فراهم باشد و مانعی در این زمینه وجود نداشته باشد (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ۲۲). حقوق کودک متولد شده از باروری مصنوعی تا جایی مهم است که در این باره نیز از فقها سؤال شده است که اگر شوهر (دارای نطفه) یک روز قبل از عمل تلقیح فوت کند و نطفه بعد از فوت شوهر منعقد شود، آیا طفل دارای ارث است؟ در پاسخ به این پرسش برخی از فقها از جمله امام خمینی (ره)، بر این باور هستند که تفاوتی میان زنده بودن و یا مردن صاحب نطفه نیست (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۱). بدین معنا که فرزندی که از این عمل لقاح مصنوعی نیز به دنیا آمده باشد، دارای حق و حقوقی از جمله ارث است و حقوق اقتصادی وی نباید نادیده گرفته شود. باز در همین راستا، یکی دیگر از فقها بیان می‌دارد که فرزند حاصل از این لقاح، حلال‌زاده است و همه حقوق و آثار ناشی از این رابطه از جمله ارث و محرمیت بر وی مترتب است. بنابراین در ترتیب آثار، تفاوتی میان زنده بودن صاحب نطفه در حین عمل تلقیح و یا مردن وی نیست (صانعی، ۱۳۷۷: ۶۹۰). اطلاق همه حقوق به معنای برابری حقوقی میان کودکانی است که از راه‌های طبیعی و غیرطبیعی به دنیا می‌آیند. موضوعی که در قانون مصوب ۱۳۸۲ به آن توجه نشان داده شد. بنابراین کودکی که پس از انعقاد نطفه دارای والدینی مشخص از جمله تعیین صاحب اسپرم برای وی محرز است، در زمره فرزند آن تلقی شده و از این جهت شایسته بهره‌مندی از ارث، ترکه و سایر اموال و دارایی مورث را برحسب قانون

پذیرندگان فرزندان از تمکن مالی مناسب و مطلوب است.

امروزه و در قوانین مختلف از جمله قانون مصوب ۱۳۸۲ و ۱۳۹۲، در ارتباط با مبحث «تمکن مالی» سرپرستان شرایط خاصی در نظر گرفته شده است که در صورت فقدان این شرایط، حتی اجازه پذیرش فرزند از سوی خانواده‌هایی که توانایی مالی برای پذیرش فرزند ندارند، داده نشود. هرچند که در مباحث مالی از جمله ارث و سایر حقوق اقتصادی کودک متولد شده از باروری مصنوعی، وجود رابطه و سپس حقوق مالی و اقتصادی میان صاحب اسپرم و کودک امری مهم است و آنان از یکدیگر ارث می‌برند (لطفی و سعادت، ۱۳۹۰: ۱۸۸)، اما در بحث درخواست برای پذیرش سرپرستی کودک برای افرادی که به دلایل خاصی صاحب فرزند نمی‌شوند، داشتن شرایط مناسب برای پذیرش سرپرستی کودک دارای اهمیت است. به طور مشخص در همین زمینه و در قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲، تمکن مالی درخواست کننده، به عنوان یکی از شرایط متقاضیان ذکر شده است (بند «ج» ماده ۶) و از دست رفتن تمکن در این قانون نیز در زمره موارد فسخ سرپرستی است (بند «الف» ماده ۵). در ماده ۱۴ این قانون مقرر شده که: «دادگاه در صورتی حکم سرپرستی صادر می‌نماید که درخواست کننده سرپرستی بخشی از اموال یا حقوق خود را به کودک یا نوجوان تحت سرپرستی تملیک کند تشخیص نوع و میزان مال یا حقوق مزبور با دادگاه است. در مواردی که دادگاه تشخیص دهد اخذ تضمین عینی از درخواست کننده ممکن یا به مصلحت نیست و سرپرستی کودک یا نوجوان ضرورت داشته باشد،

هدف برقراری توارث است و این استدلال به نفع مصالح کودک، خانواده و جامعه است. به این دلیل که فرزند حاصل از جنین اهدایی از سرگردانی و مشکلات مالی نجات پیدا می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۱۵-۱۴). بهره‌مندی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی از ارث، برابری، توجه به نسب آنان که در بحث ارث بسیار تعیین کننده است، نشانگر همین رویه حقوقی منصفانه در قبال آنان است.

حمایت از حقوق کودکان متولد شده از باروری مصنوعی، غالباً با استناد به آیات و روایات نیز صورت می‌گیرد. برخی با استناد به دیدگاه و سیره رسول گرامی اسلام (ص) چنین استدلال می‌کنند که فرزند ناشی از باروری مصنوعی همان حقوق افرادی را دارد که به صورت طبیعی در خانواده به دنیا می‌آیند. از جمله به این روایت استناد شده است که در داستان فرزندخواندگی زید توسط پیامبر اکرم (ص) نیز آمده است بعد از اینکه پدر زید نسبت به او خشم کرد و خطاب به جمع حاضر اعلام کرد که: «ای گروه قریش شاهد باشید که من از او بیزارم و او دیگر پسر من نیست، رسول خدا (ص) به حاضران خطاب کرد که شاهد باشید زید پسر من است، از من ارث می‌برد و من از او ارث می‌برم» (قمی، ۱۳۶۷: ۷۲). بنابراین برخی با استناد به این روایات و حتی تأکید قرآن کریم بر فرزندآوری بیشتر، بر برابری افراد عادی و افرادی که از روش‌های غیرطبیعی به دنیا می‌آیند، تأکید می‌کنند. این موضوع در مباحث حقوقی پیش از انقلاب و حتی در مباحث حقوقی پس از انقلاب تحت عنوان «تمکن مالی» سرپرستان خانواده مطرح شده است. رویکرد مزبور به معنای بهره‌مندی

دستور اخذ تعهد کتبی به تملیک بخشی از اموال یا حقوق در آینده را صادر و پس از قبول درخواست کننده و انجام دستور، حکم سرپرستی صادر می‌کند».

استدلال فقهای قائل به جواز باروری مصنوعی به نحوی است که بتواند باعث تضمین حقوق اقتصادی کودک متولد شده از این روش را به دنبال داشته باشد. برخی از فقهای معاصر، نطفه انسان را در حکم اجزای بدن فرد متوفی در نظر می‌گیرند و بر این باور هستند که در صورت وصیت متوفی اشکالی ندارد (حاجی عزیزی و قفقازی الاصل، ۱۳۹۳: ۱۳۱). بنابراین انتقال نطفه شوهر متوفی به رحم همسر وی برای اهداف عقلایی جایز است و از این جهت رابطه زوجیت میان آنان برقرار است (یزدی، ۱۳۸۰: ۱۸۷). همچنان که طفل متولد شده از این شیوه باروری نیز مشروع است و از پدر خود نیز ارث خواهد برد (خویی، ۱۴۱۰، ۴۲۸). اهمیت بهره‌مندی از حقوق اقتصادی برای کودک متولد شده از باروری مصنوعی در فقه به گونه‌ای است که حتی با مرگ صاحب نطفه قبل از انعقاد آن، رابطه سرپرستی از بین نرفته و کودک متولد شده از باروری مصنوعی از همان حقوقی که برای سایر فرزندان در نظر گرفته شده است، بهره‌مند خواهد بود.

بنابراین منتسب بودن فرزند (کودک متولد شده از باروری مصنوعی) به مورث برای اثبات ارث کفایت می‌کند و حتی اگر نطفه‌ای که منجر به رشد و سپس به دنیا آمدن کودک شود، پیش از انعقاد وفات یافته باشد، تأثیری بر عدم پذیرش ارث نخواهد داشت. حتی از فقهای بزرگ شیعی نظیر شیخ نجفی نقل شده که بیان داشته است: «دلیلی بر اعتبار همزمانی بین صدق عنوان

کودک و فوت مورث دیده نمی‌شود، بلکه صدق عنوان ولد پس از فوت نیز کافی است» (نجفی، ۱۳۸۶: ۳۹). یعنی در رابطه پدید آمده حاصل از باروری مصنوعی اموال و دارایی مورث بر حسب سهم قانونی آن فرزند به وارث (کودک متولد شده از باروری مصنوعی) خواهد رسید. بنابراین دلایل عقلی برای صحت انتساب حمل به مورث وجود دارد که نشانگر بهره‌مندی کودک متولد شده از باروری مصنوعی می‌باشد. بنابراین مرگ صاحب اسپرم نمی‌تواند خللی در مالکیت و حقوق اقتصادی کودک متولد شده از اسپرم وی ایجاد نماید. رابطه مالک با دارایی و اموال بعد از مرگ قطع شده و ناگزیر، اموال و دارایی‌های وی به شخص دیگری منتقل خواهد شد. البته مرگ واقعی تنها عامل انتقال دارایی نیست و ممکن است مرگ فرضی یعنی شرایطی که فرد صاحب اموال برای مدتی، ناپدید شود و به نحوی مفقودالایر باشد و اموال و دارایی وی نیازمند مراقبت و در نتیجه قابل انتقال به دیگری باشد و ورثه وی نیز برای این کار اقدام کنند که اموال را به آنان انتقال دهد، می‌تواند شامل این شرایط باشد. در این شرایط، کودک متولد شده از باروری مصنوعی نیز در حوزه کسانی است که از این اموال باقیمانده بهره‌مند خواهد شد.

حقوق اقتصادی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی در قانون اساسی نیز قابل پیگیری است. در بند ۱۲ اصل ۳ قانون اساسی ج. ا. یکی از وظایف دولت «پیریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» مقرر شده است و در بند ۱ اصل ۹۳ یکی از ضوابط اقتصادی دولت جمهوری اسلامی

را تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان و آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه» دانسته است. به موجب تبصره‌ی ۳ بند «ب» ماده‌ی ۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۸۷، دولت مکلف است در حد مقابله با بحران نسبت به تأمین کالاهای اساسی مانند گندم و سوخت برای مدت معین، تمهیدات لازم را بیندیشد. حق داشتن حداقل رفاه و امکانات در زندگی در حقوق ایران گاه تحت عنوان «حق برخورداری از امکانات رفاهی ضروری» و گاه «خدمات عمومی» ذکر شده که قابل تعمیم به کودکانی است که از راه‌های باروری غیرطبیعی به دنیا آمده باشند. در فقه اسلامی و حقوق ایران نیز دادن نفقه یا حداقل هزینه‌های خانواده (مسکن، غذا، البسه و اثاث البیت) شامل همسر و فرزندان بر عهده‌ی زوج و پدر خانواده است (مواد ۱۱۰۶-۱۱۱۴-۱۲۰۶ قانون مدنی) (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۱۹). علاوه بر این، در صورتی که شیوه‌های دیگر باروری مصنوعی نظیر رحم جایگزین و یا استفاده از اسپرم بیگانه برای باروری نیز مورد پذیرش باشد، دارا بودن شرایط اقتصادی مناسب از سوی والدین و کسانی که فرزند متولد شده از باروری مصنوعی را به عنوان فرزند خود برمی‌گزینند، حائز اهمیت است.

به طور مشخص درباره یکی دیگر از شیوه‌های باروری مصنوعی از جمله رحم جایگزین باید گفت که میان صاحب رحم و کودک متولد شده نیز رابطه‌ای از نوع انفاق وجود دارد و صاحب رحم، مادر واقعی و نسبی کودک نیست. به این دلیل که صاحب رحم، مادر طبیعی و خونی طفل محسوب نمی‌شود. اما این تنها یک بُعد از ماجرا است و برخی حقوقدانان استدلال می‌کنند که رابطه از

نوع انفاق است میان طفل، صاحب تخمک، صاحب اسپرم و صاحب رحم (امامی، ۱۳۷۵: ۲۲۶). در این شرایط پی بردن به حقوق اقتصادی کودک متولد شده از باروری مصنوعی و حتی زنی که صاحب رحم است، محل بحث است. یعنی اینکه آیا کودکی که از این طریق به دنیا می‌آید، از حقوق خاصی برخوردار است؟ و یا اینکه پس از تولد، تهیه نیازهای اقتصادی و مالی وی بر عهده چه کسی است؟ برای یافتن این ابهامات، برخی حقوقدانان از تفکیک میان نفقه نسبت به زن واقعی و کسی که جنین را تا زمان تولد حمل می‌کند، تفاوت قائل شدند. نظری که در این باره ارائه شده این است که زنی که حامل کودک است، حقی برای دریافت نفقه از حیث قانونی ندارد، اما صاحب اسپرم موظف است مخارج دوران حمل و بارداری را بر عهده داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳۶۳). به عبارت دیگر، پس از متولد شدن کودکی که از شیوه رحم جایگزین حاصل می‌شود، حقوق اقتصادی وی و تأمین نیازهای وی بر عهده سرپرستی است که به طور خونی با وی ارتباط نسبی داشته و همین طور برای زنی که حامل این کودک است، تا زمان پایان حمل یعنی متولد شدن فرزند نیز حقوقی برای وی معین خواهد شد. بدیهی است که سازوکارهای تأمین نیازهای مالی طرفین و بر عهده داشتن سرپرستی از سوی صاحب اسپرم در عقود خاصی که قانون معین کرده است، معین می‌شود. در همین رابطه درباره مبحث توانایی مالی پذیرندگان فرزندان از راه غیرطبیعی در ماده ۱۵ نیز آمده است: «درخواست کننده منحصراً یا درخواست کنندگان سرپرستی باید متعهد گردند که تمامی هزینه‌های مربوط به نگهداری و تربیت و تحصیل افراد تحت سرپرستی را تأمین نمایند. این حکم حتی پس از

فوت سرپرست منحصر یا سرپرستان نیز تا تعیین سرپرست جدید، برای کودک یا نوجوان جاری می‌باشد. بدین منظور سرپرست منحصر یا سرپرستان، موظفند با نظر سازمان خود را نزد یکی از شرکتهای بیمه به نفع کودک یا نوجوان تحت سرپرستی بیمه عمر کنند...» (قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲).

از جمله ابعاد دیگر حقوق اقتصادی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی در حقوق ایران، بحث رفاه، امنیت و تأمین نیازهای حیاتی آنان از جمله سلامتی کودکان است. چنانچه در قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، بندهای زیادی به سلامت بدنی و نیز اخلاقی متقاضیان سرپرستی اختصاص داده شده بود. از جمله اینکه «هیچ یک از زوجین مبتلا به بیماری‌های واگیر صعب‌العلاج نباشد» (بند «ز» ماده ۳)، «هیچ یک از زوجین معتاد به الکل یا مواد مخدر و سایر اعتیادات مضر نباشند» (بند «ح» ماده ۳)، «هیچ یک از زوجین دارای محکومیت جزایی مؤثر به علت ارتکاب جرایم عمدی نباشند» (بند «ج» ماده ۳)، و «زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند» (بند «ه» ماده ۳). بنابراین شرایط مذکور نشان دهنده اهمیت قانونگذار به مسأله سلامت کودکانی است که تحت سرپرستی دیگران قرار می‌گیرند و پذیرش فرزندان از راه باروری مصنوعی نیز شامل این موارد می‌شود. از منظر دیگر، اهمیت دادن به توانایی فردی که بتواند نیازهای اقتصادی کودک را تأمین کند نیز مورد توجه قانونگذار بوده است. همچنین در ماده ۱۷ آمده است: «تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوان از لحاظ نگهداری، تربیت و نفقه، با رعایت تبصره ماده (۱۵) و احترام، نظیر تکالیف والدین نسبت به

اولاد است. کودک یا نوجوان تحت سرپرستی نیز مکلف است نسبت به سرپرست، احترامات متناسب با شأن وی را رعایت کند». همچنین قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲، اگر چه مسئله ارث را به مسکوت است، پارا فراتر نهاده و علاوه بر تمکن مالی (بند «ج» ماده ۶) و الزام مربوط به نفقه اقارب میان سرپرست و طفل (ماده ۱۷) و تأمین هزینه‌های نگهداری و تحصیل و تربیت (ماده ۱۵)، پذیرندگان را مکلف نموده تا بخشی از اموال یا حقوقی مالی خود را به کودک یا نوجوان تحت سرپرستی تملیک نمایند و معافیت از آن را منوط به عدم امکان یا نبود مصلحت، آن هم با وجود ضرورت سرپرستی برای کودک و تعهد برای اعطای بخشی از اموال یا حقوق در آینده توسط متقاضی نموده است (مواد ۱۴ و ۱۵). ضمناً این قانون، سرپرست را موظف به بیمه ساختن خویش به نفع کودک تحت سرپرستی می‌نماید (ماده ۱۵) (قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲).

بحث حقوق اقتصادی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی از جهاتی سلبی نیز مورد توجه قانونگذار نیز بوده است. بدین معنا که با در نظر گرفتن شرایط و معیارهایی برای سرپرست اطفال متولد شده از باروری مصنوعی از تحلیل هزینه‌های ناشی از عدم سلامت والدین و تسری آن به کودکان پیشگیری به عمل می‌آید. در همین زمینه و بر مبنای شواهد تاریخی نیز می‌توان گفت که در قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست ۱۳۵۳، «بیماری‌های واگیر صعب‌العلاج»، آمده بود که مناسب‌تر است؛ زیرا هر بیماری واگیردار که صعب‌العلاج نباشد، نباید موجب محرومیت از سرپرستی باشد. همچنین هر

زوجین نابارور رو به افزایش است. صفایی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «تولید مثل مصنوعی با کمک پزشکی و انتقال جنین در حقوق فرانسه و ایران» آورده است: از لحاظ آثار نسب ناشی از انتقال جنین نیز قانون ایران ناقص است، چنانکه به منع نکاح بین طفل و زوجین دریافت کننده اشاره ای نکرده و در مورد نفقه هم روشن نیست که آیا تکلیف انفاق یک تکلیف متقابل است (مانند نفقه ی ابوین و اولاد) یا تکلیف یکجانبه که فقط زوجین دریافت کننده مکلف به آن هستند. عابدین مومنی و موسوی نسب (۱۳۹۱) در مقاله-ای تحت عنوان «تلقیح مصنوعی و وضعیت نسب مولود حاصل از آن در تأملات اندیشمندان فقه و حقوق» بیان داشته است که بر طبق بررسی‌های انجام یافته و تأمل در آثار فقهای گران قدر اسلام و اندیشمندان حقوق اسلامی، در خصوص تلقیح مصنوعی و وضعیت نسب مولود حاصل از آن، اختلاف نظرهای عمیق و ریشه‌ای میان آنان دیده می‌شود که به دلیل نوظهور بودن این روش باروری در تولید نسل در عصر حاضر این اختلافات طبیعی به نظر می‌رسد. برخی از صاحبان فتوا و فقه پژوهان، در تأیید و پذیرفتن آن با استناد به اصله الاباحه، حکم به برائت شرعی و عقلی را در همه اقسام تلقیح مصنوعی جاری دانسته اند و به جواز مطلق اعتقاد دارند، در حالی که پاره‌ای دیگر از فقهبانان، این عمل را مخالف نص صریح برخی از آبات قرآن کریم دانسته و در جمیع صور تلقیح، فتوا به حرمت داده‌اند و به ممنوعیت مطلق اعتقاد دارند. الله‌قلی و رحمانی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان وضعیت حقوقی باروری مصنوعی به این موضوع پرداخته است. به زعم این محقق، باروری مصنوعی شرایط و آثار آن از موضوعات مهمی است که در حقوق

بیماری صعب‌العلاج که واگیردار نباشد، نباید شخص را از حق سرپرستی محروم کند (صفایی، ۱۳۹۴: ۳۰۸). بنابراین در حقوق اجتماعی کودکان متولد شده از راههای غیرطبیعی که به سرپرستی در می‌آیند، تأکید بر بیماری‌هایی است که می‌تواند باعث تسری به کودکان شود و سایر بیماری‌هایی که مشکلی از جهت انتقال ویروسی ندارند، مورد توجه نیستند. اهمیت به مسأله مسری بودن و یا نبودن بیماری والدین بدین علت است که برخی از افراد، ممکن است به دلایل پزشکی که توانایی بارداری ندارند، اقدام به پذیرش فرزند می‌نمایند. بنابراین چنین رویه‌ای نباید باعث شود تا حق سرپرستی از این افراد سلب گردد. بدین ترتیب نادیده گرفتن هر یک از این موارد می‌تواند فسخ سرپرستی را نیز بوجود آورد (بند «الف» ماده ۲۵). بی شک کسانی که صلاحیت اخلاقی و جسمی نداشته باشند نمی‌تواند فرزندانی با اخلاق و شایسته تربیت کنند (صفایی و امامی، ۱۳۹۳: ۲۹). بنابراین قانونگذار هم از حیث توجه به حقوق اقتصادی کودکان از یک طرف و سلامت جسمی و اخلاقی کسانی که به اشکال مختلف در سرپرستی آنان دخیل هستند، توجه نشان داده است.

۵-۳. پیشینه تحقیق

مقالاتی در ارتباط با حقوق مالی و اقتصادی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی از جمله در بحث انتساب کودکان به سرپرست واقعی آنان وجود دارد که به برخی از آنان اشاره می‌شود:

طباطبایی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان حقوق مالی و غیرمالی کودکان متولد از روش رحم جایگزین به این موضوع پرداخته است. از منظر او، در سایه پیشرفت‌های چشمگیر پزشکی، استفاده از درمان‌های کمکی برای غلبه بر مشکل نازایی

کشورهای پیشرفته مورد بررسی واقع و مقرراتی راجع به آن وضع شده است. در ایران نیز قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۸۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده که تحولی در این زمینه ایجاد کرده و تا حدی به مسائل مطروحه در این خصوص پاسخ داده است.

با عنایت به تحقیقات صورت گرفته، ضمن توجه به برخی از دستاوردهای پژوهشی و تجربی آنان، پژوهش حاضر گام را فراتر نهاده و درصدد است تا به بررسی حقوق اقتصادی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی بپردازد. بدیهی است که از منظر فقهی و حقوقی به این موضوع توجه نشان داده می‌شود. رویکردی که تاکنون با این عنوان و هدف در پژوهش مستقلی دنبال نشده است.

۶. نتیجه گیری

در پژوهش حاضر این سؤال مطرح بود که شرایط فقهی و حقوقی برای بهره‌مندی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی از منظر اقتصادی کدام است؟ نتایج نشان می‌دهند که علیرغم اختلاف نظر میان فقها در بحث پذیرش باروری مصنوعی و یا به تبع آن پذیرش حقوق اقتصادی برای این کودکان، بحث تفکیک میان کودکانی که با استفاده از شیوه‌های نوین علمی از جمله باروری مصنوعی به دنیا می‌آیند و کسانی که به شیوه نامشروع و یا حاصل این روابط هستند، بسیار حائز اهمیت است. در صورت اثبات بحث باروری مصنوعی با در نظر داشتن معیارهای شرعی و قانونی، حقوق اقتصادی این کودکان از جمله حق بهره‌مندی از ارث امری بدیهی است. سایر حقوق اقتصادی کودک متولد شده از باروری مصنوعی به صاحب نطفه یعنی پدر وی بر می‌گردد که حتی

از نظر برخی از فقها، در صورت فوت وی حتی قبل از انعقاد نطفه نیز به عنوان پدر وی شناخته می‌شود و فرزندى که به این شیوه دنیا می‌آید، انتساب خونی داشته و از ارث نیز بهره‌مند خواهد شد. همین قاعده درباره انتساب کودک به مادر در صورت گمنام ماندن صاحب اسپرم به دلایل متعدد عرفی و قانونی، نیز وجود دارد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر بهره‌مندی از حقوق اقتصادی کودک متولد شده از باروری مصنوعی از جهت انتساب به صاحب اسپرم و مادری که باعث رشد و تولد فرزند شده است، اثبات شده است. از منظر حقوقی نیز همین شرایط البته نه در قانون مدنی و به صراحت، بلکه در قانون حمایت از کودکان بد سرپرست و بی سرپرست یا قوانین مجلس در زمینه حمایت از ناباروری قابل مشاهده است. بدین ترتیب باید گفت که از نظر دارا بودن حقوق، افرادی که به شیوه باروری مصنوعی به دنیا می‌آیند، در حقوق ایران نیز همسان با سایر افراد در نظر گرفته می‌شوند. بر مبنای قوانین داخلی ایران، حقوق و وظایف والدین نسبت به طفل حاصل از لقاح مصنوعی دقیقا مانند طفلی است که به صورت طبیعی متولد شده است. قانونگذار، حقوقی را که برای طفل طبیعی و مشروع مقرر شده، برای طفل حاصل از لقاح مصنوعی نیز محترم شمرده است. ماده ۳ قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور: "وظایف و تکالیف زوجین اهداء گیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است.

با این حال قوانین و حقوق داخلی ایران از صراحت در پرداختن به حقوق اطفال ناشی از باروری مصنوعی رنج می‌برد. با توجه به اینکه بحث باروری مصنوعی از یک طرف و حقوق

کودکان، سرپرستان و افرادی که به نحوی از انحاء در این مسأله دخیل هستند، اموری مهم هستند، اصلاح و بازبینی در برخی از قوانین و گنجاندن قوانینی صریح در ارتباط با حقوق کودکان متولد شده از باروری مصنوعی یک ضرورت است. از آن جهت که نگرش پویای فقه شیعه و نقش حکومت اسلامی در تدوین حقوق این افراد به صراحت روشن شود و حتی شرایط مناسبی برای افزایش جمعیت و یا بهره‌مندی خانواده‌هایی که به هر دلیلی از داشتن فرزند محروم هستند، بیش از پیش فراهم گردد و آنان نیز صاحب فرزند شوند.

۷. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به صورت برابر و مشترک مقاله را به رشته تحریر درآورده‌اند.

۸. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.



منابع

- قرآن کریم.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۰)، وضعیت حقوقی کودک آزمایشگاهی، روشهای نوین تولید مثل انسانی، تهران: سمت.
- امامی، سید حسن (۱۳۹۹)، حقوق مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- صناعی، یوسف (۱۳۷۷)، مجمع الاستفتاءات، قم: میثم تمار.
- انصاری، مسعود، طاهری، محمدی (۱۳۸۴)، مجموعه دانشنامه حقوق، تهران: انتشارات محراب فکر.
- صفایی، سید حسین (۱۳۹۴)، مختصر حقوق خانواده، چاپ چهل و دوم، تهران: نشر میزان.
- تهرانی، محمدحسین، ۱۳۸۵، کنترل جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، مشهد: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر دوره علوم و معارف اسلامی مشهد مقدس.
- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۳)، حقوق خانواده، جلد دوم، قرابت و نسب و آثار آن، انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۳)، حقوق ارث، تهران: نشر گنج دانش.
- صمدی اهری، محمدهاشم (۱۳۹۱)، حقوق و تکالیف فرزندان ناشی از جنین اهدایی، مجله تحقیقات حقوقی بین المللی، دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۱۳۸-۱۱۳.
- حاجی عزیزی، بیژن، قفقازی الاصل، شهرزاد (۱۳۹۳)، بررسی وضعیت ارث جنین ناشی از تلقیح مصنوعی پس از فوت صاحب اسپرم (پدر) از منظر فقهی و حقوقی، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره هشتم، صص ۱۳۹-۱۲۱.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۵)، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (سه نسل حقوق بشر در اسلام، ایران و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای)، تهران، انتشارات دادگستر.
- حمدالهی، عاصف، روشن، محمد (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی فقهی و حقوقی قرارداد استفاده از رحم جایگزین، تهران، انتشارات امجد.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، دارالکتاب قم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، ارث، تهران: نشر دادگستر.
- لطفی، اسدالله، سعادت، صالح (۱۳۹۰)، احکام حقوقی طفل حاصل از رحم جایگزین، فصلنامه حقوق خصوصی، شماره نوزدهم، صص ۱۸۵-۱۶۹.

- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۵)، احکام پزشکی، تهران: انتشارات سایه.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، تحریرالوسیله، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران: دارالعلم.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۸۶)، جواهرالکلام، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- یزدی، محمد (۱۳۸۰)، مسائل فقهی جدید، قم: نشر صایح.





پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني